

# آسه آن در گذر زمان:

بررسی و مقایسه تطبیقی عملکرد تجاری اعضاء

دکتر مسعود نونزاد

## پیشگفتار

اتحادیه ملتهای جنوب شرقی آسیا متشکل از ده کشور سنگاپور، مالزی، اندونزی، فیلیپین، تایلند، بروئی، ویتنام، لاتوس، کامبوج و برمه است که چهار کشور اخیر از سال ۱۹۹۵ به این سو به این اتحادیه پیوسته‌اند. اندونزی از لحاظ گستردگی و جمعیت بزرگترین عضو و سنگاپور و بروئی کوچکترین اعضای این اتحادیه به‌شمار می‌روند.

خاستگاه آسه آن، «جامعه جنوب شرقی آسیا» است که در سال ۱۹۶۱ به منظور توسعه همکاری میان سه کشور مالزی، تایلند و فیلیپین به وجود آمد. با توجه به تنشهای پیش آمده در منطقه پس از سرنگونی سوکارنو در اندونزی و حل شدن بسیاری از اختلافها میان مالزی، اندونزی، تایلند، فیلیپین و سنگاپور، این کشورها در سال ۱۹۶۷ با صدور اعلامیه بانکوک اتحادیه ملتهای جنوب شرقی آسیا (آسه آن) را بنیاد نهادند.

اهداف اولیه این اتحادیه تسریع رشد اقتصادی، پیشرفت اجتماعی و توسعه فرهنگی در همه زمینه‌ها بود. این اتحادیه دارای تشکیلاتی رسمی و تشکیلاتی غیر رسمی است که به منظور ایجاد همکاری میان بخش خصوصی کشورهای عضو در کنار تشکیلات رسمی پا گرفته است. کشورهای عضو آسه آن در زمینه‌های صنعت، بازرگانی سرمایه‌گذاری، امور مالی و بانکداری، کشاورزی، انرژی، تکنولوژی، تحقیقات، جهانگردی، آموزش و پرورش، توسعه اقتصادی، امور فرهنگی، حمل و نقل و ارتباطات با یکدیگر همکاری می‌کنند که این همکاریها جوهره آسه آن را تشکیل می‌دهد. گفتنی است که همکاری در زمینه‌های بازرگانی و صنعت گسترده‌تر از دیگر زمینه‌ها است.

به‌طور کلی عمده‌ترین ابزارهای اقتصادی میان کشورهای عضو آسه آن عبارت است از:

۱. پروژه‌های صنعتی.

۲. برنامه‌های تکمیلی صنایع.

۳. سرمایه‌گذارهای مشترک صنعتی.

۴. ترتیبات ترجیحی تجاری.

۵. هماهنگی در روابط خارجی با کشورهای ثالث و اتخاذ ترتیباتی در رابطه با دسترسی به کالاهای اساسی مانند برنج و نفت در مواقع بحرانی.

کشورهای جنوب شرقی آسیا امروزه بسیار مورد توجه قرار گرفته‌اند زیرا در سالهای اخیر نرخ رشد اقتصادی بالایی داشته و اهمیت چشمگیری در تجارت جهانی یافته‌اند. وجود کشورهایی مانند مالزی و اندونزی در میان اعضای آسه آن که در گذشته به صادرات مواد معدنی، کالاهای اولیه و نفت وابسته بوده‌اند ولی امروزه از صادرکنندگان عمده فرآورده‌های کارخانه‌ای در آسیا می‌باشند، اهمیت شناخت این اتحادیه را در چندان می‌سازد.

روشن است که جهان با آهنگی شگفت‌انگیز در حال دگرگونی است و عقب ماندن از این روند، زیانهای جبران‌ناپذیر خواهد داشت. یکی از راههای پیوستن به این روند، بررسی و شناخت تحولات یاد شده است که می‌تواند ما را در توسعه اقتصادی یاری دهد. در این زمینه، شناخت کشورهای در حال توسعه‌ای که در پیمودن مراحل توسعه موفق‌تر از دیگران بوده‌اند، از جمله کشورهای تازه صنعتی شده، می‌تواند سودمندتر از تجربه توسعه کشورهای صنعتی باشد.

در این نوشتار، نگاهی تطبیقی خواهیم داشت بر عملکرد صادراتی کشورهای عضو آسه آن در دوره ۱۹۶۸-۲۰۰۱. مآخذ جدولها، همان منابعی است که در پایان مقاله و در فهرست منابع انگلیسی آمده است و محاسبات لازم بر مبنای آمارهای داده شده در آن منابع انجام شده است.

## ۱- سنگاپور

کشور سنگاپور در جنوب شرقی آسیا و در انتهای شبه جزیرهٔ مالاکا واقع شده است. پایتخت آن شهر سنگاپور است که جمعیتی بالغ بر ۳۱۱۰۰۰۰ نفر با مذهب بودایی دارد و اقلیتی مسیحی با مذهب پروتستان نیز در این کشور زندگی می‌کنند. زبان رایج در سنگاپور، انگلیسی، چینی، مالایی و تامیلی است و شهروندان دارای قومیت مالای و از نژاد زرد هستند. واحد پول این کشور، دلار سنگاپور است.

خروج نیروهای انگلیسی از سنگاپور از سال ۱۹۶۰ آغاز شد و در سال ۱۹۶۸ شتاب گرفت. در نتیجه، با از دست رفتن درآمد از محل خدمات به ارتش، گسترش دیگر بخشهای اقتصادی گریز ناپذیر بود. کمک‌های بانک جهانی فرصت مناسبی برای رشد بخش صنعت در این کشور فراهم ساخت چنان‌که پس از گذشت دو دهه (۱۹۶۰-۷۰) سهم صنعت در تولید ناخالص داخلی به ۲۹ درصد رسید. این افزایش در فعالیتهای مالی کشور نیز به وجود آمد. سنگاپور نیز مانند بسیاری از کشورهای در حال توسعه سیاست جانشینی واردات و پشتیبانی از صنایع داخلی را در پیش گرفت ولی این سیاست به زودی کنار گذاشته شد زیرا کوچک بودن بازار داخلی اجازه دسترسی به سطح استانداردهای زندگی را در چارچوب سیاست‌های حمایتی نمی‌داد. بنابراین سیاستهای صادرات-محور بویژه گسترش صادرات کالاهای کارخانه‌ای بعنوان هدف در پیش گرفته شد.

بیشترین میانگین نرخ رشد صادرات در سالهای ۱۹۶۹-۷۳ و کمترین آن مربوط به سالهای ۱۹۹۸-۲۰۰۱ بوده است. نرخ رشد صادرات این کشور کمابیش در همهٔ سالهای مورد مطالعه مثبت بوده است (به غیر از پنج سال). گفتنی است که از سال ۱۹۵۰ به این سو بویژه پس از عضویت سنگاپور در اتحادیه، کمابیش سهم صادرات کالاهای داخلی در سراسر دوره (۱۹۶۸-۹۷) افزایش یافته و از اهمیت نسبی صادرات مجدد کاسته شده است.

بر پایهٔ جدول، در حالی که سهم صادرات مواد سوختی و کالاهای اولیهٔ غیر نفتی در کل صادرات سنگاپور معادل ۶۸/۷ درصد و سهم صادرات کالاهای صنعتی برابر با ۲۷/۸ درصد بوده است، این نسبتها در سال ۱۹۹۳ به ترتیب به ۲۰/۱ و ۷۸/۳ درصد تغییر یافته و در واقع سهم صادرات کالاهای با ارزش افزودهٔ بالای داخلی نزدیک به سه برابر شده است.

آمارها گویای آن است که در حالی که سهم صنعت در GDP این کشور در سال ۱۹۷۰ برابر با ۳۰ درصد بوده است، این نسبت در سال ۱۹۹۳ به ۳۷ درصد افزایش یافته و سهم کشاورزی از ۲ درصد به نزدیک صفر رسیده است. بنابراین پیوستن سنگاپور به اتحادیه نتایج بازرگانی مثبت و چشمگیری داشته است و صادرات این کشور توانسته است ارتباط بیشتری با بخشهای اقتصادی برقرار کند و زمینه اشتغالزایی بیشتری را فراهم آورد.

جدولها نشان می‌دهد که بیشترین سهم صادرات سنگاپور در کل صادرات آسه آن در دورهٔ ۱۹۹۳-۹۷ تحقق یافته است و در همهٔ سالها بیش از ۲۵ درصد صادرات اتحادیه به سنگاپور تعلق داشته و عضویت سنگاپور در اتحادیه آهنگ صادرات این کشور را شتاب بخشیده است. سهم صادرات سنگاپور در صادرات آسه آن در کل دورهٔ ۱۹۶۸-۲۰۰۱ برابر با ۳۱ درصد و بالاترین سهم در میان اعضا بوده است. بنابراین در بخش بازرگانی خارجی، سنگاپور موفق‌ترین عملکرد را داشته است.

در سال ۱۹۹۴، بیشترین صادرات سنگاپور (۱۹/۳ درصد) به مالزی و سپس به آمریکا (۱۵/۸ درصد) بوده است، در حالی که ژاپن (۲۲ درصد) و مالزی (۱۶/۴ درصد) بیشترین سهم را در صدور کالا به سنگاپور داشته‌اند.

جدولهای دیگر بیانگر وضع واردات کشور سنگاپور است. آمارها گویای آن است که سنگاپور همواره نزدیک به ۳۶ درصد واردات کل آسه آن را داشته است.

تاجنگ جهانی دوم اقتصاد سنگاپور سخت به صادرات مجدد وابسته بود. پس از جنگ به علت افزایش نرخ زاد و ولد از یک سو و افزایش مهاجرت از سوی دیگر، جمعیت سنگاپور به گونهٔ چشمگیر افزایش یافت چنان‌که صادرات مجدد و فعالیتهای خدماتی وابسته به آن نمی‌توانست فرصت‌های شغلی مورد نیاز را فراهم سازد. بنابراین، بیکاری دامنگیر آن کشور شد به گونه‌ای که در سال ۱۹۵۸ نزدیک به ۱۳/۵ درصد از نیروی فعال جامعه بیکار بود و در سال ۱۹۵۹ تنها برای ۲۹ هزار نفر امکان اشتغالزایی وجود داشت. در آن زمان برای صنعتی شدن سنگاپور چندین عامل مثبت و منفی وجود داشت:

عوامل مثبت:

۱. وجود مردمان سخت کوش و مبتکر.
۲. موقعیت مناسب جغرافیایی و راههای دریایی خوب.
۳. وجود انبوهی سرمایه انباشته شده از سوی بازرگانان محلی و مؤسسات دولتی.
۴. وجود بازارهای در دسترس در منطقه.

۱. موقعیت این کشور بعنوان بندری آزاد، صنعتی شدن را غیر سودآور می‌سازد.
۲. نبود دسترسی آزاد به بازار مالزی.
۳. کمبود نسبی مدیران، تکنسینها و کارگران ماهر.
۴. گرایش زیاد سرمایه‌داران سنگاپور به بازرگانی در مقایسه با فعالیت‌های تولیدی.

در سال ۱۹۶۱ دولت به منظور توسعه صنعتی دست به تأسیس شورای توسعه اقتصادی زد. این شورا زمین‌هایی را برای ساخت شهرک‌های صنعتی فراهم کرد و برای ایجاد کارخانه به صورت اجاره یا فروش در اختیار سرمایه‌گذاران قرار داد. این شورا همچنین دادن وام میان مدت و بلندمدت برای توسعه صنعتی و تأمین مالی مؤسسات صنعتی را افزایش داد؛ کمک‌های فنی در اختیار صنایع گذاشت و برنامه‌های آموزشی را گسترش داد.

کمک‌های فنی در چارچوب بازاریابی و امکان‌سنجی، تحقیقات صنعتی، اعمال استانداردها و برخی کمک‌های دیگر برای بهبود کیفیت کالاها و طراحی صنعتی بود.

در همان زمان بخش دولتی خرید کالاهای داخلی را حتی اگر بهای آنها تا ۱۰ درصد بیش از کالای مشابه خارجی بود ترویج می‌کرد. از سوی دیگر، تعرفه‌های حمایتی و عوارض گمرکی برای برخی کالاها از جمله باتری، رادیو، صابون، چراغ قوه و آرد گندم وضع شد. زمانی که میزان پشتیبانی از صنایع داخلی به گونه چشمگیر افزایش یافت، سنگاپور به فدراسیون مالزی پیوست اما این اتحادیه دیری نپایید و پس از متحل شدن، این کشور سیاست جان‌شینی واردات را در پیش گرفت. اما این سیاست به علت کوچک شدن بازار داخلی منافع چندانی نداشت و به همین سبب کنار گذاشته شد.

در همین راستا، در سال ۱۹۶۷، نرخ مالیات بر شرکتها در مورد منافع صادراتی برای یک دوره ۱۵ ساله از ۴۰ درصد به ۴ درصد پایین آورده شد و همچنین مالیات حق امتیاز، جواز کسب، درآمد ناشی از کمک‌های فنی و پرداختها در زمینه تحقیقات و توسعه برای شرکت‌های خارجی به ۲۰ درصد کاهش یافت. از سوی دیگر امکان دسترسی صادرکنندگان، به واردات معاف از عوارض گمرکی، افزایش یافت و به مؤسسات منتخب اجازه داده شد هزینه‌هایی که برای بازاریابی صادراتشان انجام می‌دهند از درآمد مشمول مالیات خود کسر کنند.

بدین ترتیب صادرات گسترش یافت که به نوبه خود رشد پرشتاب اشتغال را به همراه داشت، به گونه‌ای که در ۱۹۷۳ نرخ بیکاری کاهش یافت و به ۴/۵ درصد رسید. با بهبود وضع اشتغال، دولت سیاست صنعتی خود را تغییر داد و به ایجاد صنایع پیشرفته به جای صنایع کاربر پرداخت. همچنین نظام آموزشی اصلاح و برنامه‌های آموزشی تکمیلی راه‌اندازی شد. در ۱۹۷۴ دولت برای پرداخت وام به صادرکنندگان با نرخ بهره‌ای ۲۵ درصد کمتر از نرخ بهره اسمی، به منظور تأمین مالی صادرات و همچنین فراهم ساختن امکان سرمایه‌گذاری در این زمینه، اعلام آمادگی کرد.

در ۱۹۷۸ دولت برنامه‌ای با عنوان دومین انقلاب صنعتی به منظور افزایش اهمیت نسبی صادرات با تکنولوژی پیشرفته آغاز کرد. تجربه سنگاپور نمایانگر این واقعیت است که حتی بحرانی‌ترین شرایط هم نمی‌تواند یک کشور را از پیشرفت باز دارد. این تجربه به سه عامل مهم و قاطع اشاره دارد:

۱. اهمیت سیاست‌های درست اقتصادی.
۲. تقویت سیاست‌های درست و اجرای آن از سوی کسانی که بر اساس شایستگی برگزیده شده‌اند.
۳. نقش دولت در به دست آوردن اعتبار داخلی و خارجی برای جلب سرمایه.

در صد

میانگین نرخ رشد صادرات سنگاپور

سال	۱۹۶۹-۷۳	۱۹۷۴-۷۸	۱۹۷۹-۸۳	۱۹۸۴-۸۷	۱۹۸۸-۹۱	۱۹۹۲-۹۵	۱۹۹۶-۹۹	۲۰۰۰-۰۳
میانگین نرخ رشد صادرات	۲۵/۳۳	۲۴/۴۹	۱۷/۷۷	۱۳/۶۹	۱۳/۶	۱۴/۵	۰/۲۱	۱۵/۶۵

کالاهای صادراتی سنگاپور درصد

سال	۱۹۸۸	۱۹۸۱	۱۹۷۳	۱۹۶۳	
مواد سوختی	۱۲/۵	۲۷/۳	۱۹/۸	۱۶/۷	
کالاهای اولیه غیر نفتی	۱۳/۳	۱۶/۸	۳۳/۸	۵۲	
حیوانات زنده و مواد خوراکی	۴/۶	۴/۸	۶/۹	۱۶/۴	
سبزیها و تنباکو	۰/۷	۰/۴	۰/۴	۱/۵	
مواد اولیه صنعتی	۷/۹	۱۱/۶	۲۶/۵	۳۴/۱	
کالاهای صنعتی	۶۷/۸	۴۸/۲	۲۴/۸	۲۷/۸	
دیگر کالاها	۵/۵	۷/۷	۲/۱	۳/۳	

میانگین سهم صادرات سنگاپور از کل صادرات آسه آن درصد

سال	۱۹۷۸-۸۱	۱۹۷۳-۷۶	۱۹۷۸-۸۱	۱۹۷۳-۷۶	۱۹۷۸-۸۱	۱۹۷۳-۷۶	۱۹۷۸-۸۱	۱۹۷۳-۷۶
میانگین سهم صادرات	۲۵/۹۲	۲۵/۲۸	۲۷/۸۰	۳۲/۲۷	۳۶/۴۸	۳۶/۹۲	۳۲/۴	۳۱

ارزش واردات سنگاپور میلیارد دلار

سال	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱
واردات	۸۵/۲۳	۱۰۲/۷	۱۲۴/۵	۱۳۱/۳	۱۳۲/۴	۱۰۴/۷	۱۱۱/۰۶	۱۳۴/۵	۱۱۶

نرخ رشد واردات سنگاپور درصد

سال	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	میانگین کل دوره
نرخ رشد واردات	۲۰/۵	۲۱/۲	۵/۵	۰/۸۴	-۲۱	۶	۲۱	۱۳/۷۵	۵

## سهم واردات سنگاپور در کل واردات اتحادیه

سال	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	میانگین کل دوره
سهم واردات	۳۶/۸۳	۳۶/۶۸	۳۵/۲۶	۳۵/۱۲	۳۵/۳۵	۳۷/۴۳	۳۷/۳۳	۳۷/۰۶	۳۴/۳	۳۶/۱۵

## ۲- اندونزی

اندونزی با ۱/۹ میلیون کیلومتر مربع مساحت (و ۳/۲ میلیون کیلومتر مربع قلمرو آبی) از ۱۳۶۰۰ جزیره تشکیل شده است. حکومت اندونزی جمهوری فدرال و پایتخت آن جاکارتا است؛ جمعیتی بیش از ۲۰۰ میلیون نفر دارد که ۹۰ درصد آن مسلمان هستند، به زبان اندونزیایی سخن می گویند، از نژاد زرد هستند و از ۱۳۱ قوم تیره گوناگون تشکیل شده اند.

اندونزی در میان کشورهای عضو آسه آن پایین ترین سطح امید به زندگی را دارد.

بالا ترین میانگین نرخ رشد صادرات مربوط به دوره های ۱۹۶۹-۷۳ و ۱۹۷۴-۷۸، بترتیب با ۳۶/۶۴ و ۳۶/۲ بوده است. گفتنی است که صادرات تحت تأثیر تغییرات بهای کالای صادراتی بوده، چنان که با افزایش بهای نفت، سهم صادرات کالا و خدمات از تولید ناخالص داخلی در سالهای ۱۹۶۳ تا ۱۹۸۱ افزایش یافته و از آن پس به علت افت بهای نفت، پایین آمده است.

ترکیب کالاهای صادراتی اندونزی دگرگونیهای چشمگیری داشته است، به گونه ای که سهم سوخت از صادرات در دوره ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۳ افزایش یافته اما از آن پس به علت افت بهای نفت و بدنبال دگرگون شدن سیاستهای اقتصادی دولت به سود صادرات کالاهای غیر نفتی کاهش یافته است. از سوی دیگر، سهم کالاهای ساخته شده صنعتی و کارخانهای افزایش یافته و آرام آرام اندونزی از یک صادرکننده مواد اولیه و نفت به صادرکننده کالاهای ساخته شده تبدیل شده است. در واقع، پیوستن به اتحادیه در موفقیت اندونزی مؤثر بوده است.

جدول زیر دگرگونی در ترکیب صادرات اندونزی را در گذر زمان نشان می دهد.

در حالی که در سال ۱۹۶۳ سهم مواد سوختی و مواد اولیه غیر نفتی از کل صادرات اندونزی برابر با ۹۷ درصد و سهم کالاهای کارخانهای تنها ۳ درصد بوده است، این نسبت ها در سال ۱۹۹۳ به ترتیب به ۴۶/۷ و ۵۲/۸ درصد رسیده است که گویای رشد چشمگیر سهم ارزش افزوده و اشتغال داخلی در کالاهای صادراتی این کشور است.

آمارها گویای آن است که سهم بخش صنعت در GDP اندونزی از ۱۹ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۴۲ درصد در سال ۱۹۸۰ و ۳۹ درصد در سال ۱۹۹۳ رسیده است؛ در حالی که در همین دوره ها سهم بخش کشاورزی از ۴۵ درصد به ۱۹/۲۴ درصد کاهش یافته است. بنابراین اندونزی توانسته است در سه دهه روند صنعتی شدن را با موفقیت بیماید.

موفق ترین دوره ها از نظر سهم صادرات اندونزی در کل صادرات اتحادیه، ۱۹۷۸ تا ۱۹۷۸ با ۳۱/۳۴ درصد و ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۳ با ۳۰/۵۱ درصد بوده است. سهم این کشور در کل صادرات اتحادیه در دوره ۱۹۶۸ تا ۲۰۰۱ برابر با ۲۲/۶ درصد بوده و از این لحاظ پس از سنگاپور قرار داشته است. این، بیانگر آن است که اندونزی در بخش صادرات پس از سنگاپور، موفق ترین عملکرد را در میان اعضا اتحادیه داشته است.

جدولهای زیر وضع واردات اندونزی را نشان می دهد.

آمارها گویای آن است که درجه باز بودن اقتصاد اندونزی با توجه به واردات، کمتر از یک سوم اقتصاد سنگاپور بوده است. این کشور از نظر سهم واردات در کل واردات اتحادیه چهارمین جایگاه را داشته است. سهم این کشور در کل واردات اتحادیه در دوره ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۱ برابر با ۱۰/۸ درصد بوده که نشان از بسته بودن اقتصاد این کشور داشته است.

ژاپن از جمله شریکان عمده بازرگانی اندونزی است. در سالهای ۱۹۹۰ و ۱۹۹۴ به ترتیب ۴۳ و ۲۷/۳ درصد صادرات اندونزی به ژاپن و نیز ۲۴/۳ و ۲۴/۲ درصد واردات آن کشور از ژاپن بوده است.

سهم تجارت اندونزی با آسه آن در این سالها در زمینه صادرات به ترتیب ۹/۸ و ۱۴/۲ درصد و در زمینه واردات ۱۱/۸ و ۹/۲ درصد بوده است.

در دوران استعمار، اقتصاد اندونزی به فعالیتهای ابتدایی و سنتی مانند تولید قلع، کاتوجو طبیعی، قهوه و... وابسته بود. پس از استقلال، سوکارو رئیس جمهور اندونزی به گسترش صنایع سنگین در چار چوب طرح پنج ساله ۱۹۵۵-۶۰ همت گماشت و برنامه توسعه همه جانبه هشت ساله در سال ۱۹۶۰ آغاز شد، هر چند این برنامه بسیار موفقیت آمیز، با تورم همراه بود.

پس از سوکارو، سوهارتو به قدرت رسید که نوسازی و تثبیت اقتصادی کشور را آغاز کرد چنان که در سال ۱۹۶۹ نرخ تورم سالانه از ۶۵ درصد به ۲۰ درصد رسید؛ تراز پرداختها کنترل شد و توجه کشور به توسعه بلندمدت معطوف گردید.

نخستین برنامه پنج ساله سوهارتو در سالهای ۱۹۶۹-۷۳ بر کشاورزی، امور زیربنایی و فرآورده های کشاورزی صنعتی تأکید داشت. همچنین در برنامه دوم (۱۹۷۴-۷۸) نیز بر بخش کشاورزی تأکید می شد. برنامه چهارم (۱۹۸۴-۸۸) بر صنایع پایه متمرکز بود و برنامه پنجم (۱۹۸۹-۹۳) بر توسعه بخش خصوصی در صنایع غیر نفتی تأکید داشت.

مدیریت اقتصادی دولت اندونزی، کشور را قادر ساخت تا نرخ رشد اقتصادی بالا و پیوسته ای در سه دهه اخیر داشته باشد. با وجود برخی شوکهای بیرونی مانند افزایش بهای نفت که بر تراز تجاری و یدهی خارجی اندونزی اثر گذار بوده است، نرخ رشد اقتصادی این کشور به طور میانگین در سالهای ۱۹۷۰-۹۴ نزدیک به ۶ درصد در سال بوده است.

اندونزی در سالهای ۱۹۶۰-۹۴ از یک کشور کم درآمد به یک کشور با درآمد متوسط تبدیل شد. بررسی اقتصادی اندونزی بیانگر آن است که صنعت، زیربنای اساسی اقتصاد این کشور است. در سالهای ۱۹۸۰-۸۱ صنعت نفت بیش از ۷۰ درصد درآمد داخلی و کمابیش ۸۲ درصد درآمدهای صادراتی دولت را تأمین می کرد و این وابستگی سخت، در سال ۱۹۸۲ به علت کاهش بهای نفت به ضعف درآمدهای دولت انجامید و دولت در این خصوص سیاست بازسازی وسیع اقتصادی را در پیش گرفت که موجب کاهش سهم نفت در اقتصاد گردید.

### میانگین نرخ رشد صادرات اندونزی

سال	۱۹۶۹-۷۸	۷۸-۸۷	۸۷-۹۶	۹۶-۰۱	۰۱-۰۶	۰۶-۱۱	۱۱-۱۶
میانگین نرخ رشد صادرات	۳۷/۶۴	۳۷/۲	۱۴/۵۴	-۰/۸۱	۹۲- -	۹/۷۸	۵/۷

### ترکیب کالاهای صادراتی اندونزی بر حسب گروههای عمده کالایی

۱۹۹۳	۱۹۸۸	۱۹۸۱	۱۹۷۳	۱۹۶۳	
۲۸/۲	۳۷/۹	۷۹/۸	۵۰/۱	۳۵/۸	مواد سوختی
۱۸/۵	۲۶	۱۶/۹	۴۷/۸	۶۱/۲	کالاهای اولیه غیر نفتی
۷/۹	۱۰	۴/۲	۸/۳	۱۲/۱	حیوانات زنده و مواد خوراکی
۰/۵	۰/۴	۰/۲	۱/۳	۲/۷	سبزیها و تنباکو
۱۰	۱۵/۶	۱۲/۵	۳۸/۲	۴۶/۳	مواد اولیه صنعتی
۵۲/۸	۲۵	۳	۱/۹	۰/۳	کالاهای کارخانه ای
۰/۵	۰/۱	۰/۳	۰/۳	-	دیگر کالاها

## میانگین سهم صادرات اندونزی از کل صادرات آسه آن

درصد

سال	۱۹۶۸-۷۲	۱۹۷۳-۷۷	۱۹۷۸-۸۲	۱۹۸۳-۸۷	۱۹۸۸-۹۲	۱۹۹۳-۹۷	۱۹۹۸-۲۰۰۱	۲۰۰۱-۲۰۰۶
میانگین سهم صادرات	۱۷/۳۳	۳۰/۵۱	۳۱/۳۴	۳۰/۱۹	۱۸/۲۵	۱۵/۶۴	۱۵	۲۲/۶

## ارزش واردات اندونزی

میلیارده دلار

سال	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱
واردات	۲۸/۳۳	۳۱/۹۸	۴۰/۶۳	۴۲/۹۳	۴۶/۹۴	۳۷/۳۳	۲۴/۰۴	۳۳/۵۱	۳۷/۰۶

## نرخ رشد واردات اندونزی

درصد

سال	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	میانگین کل دوره
نرخ رشد واردات	۱۲/۹	۲۷	۵/۶۶	۹/۳۴	-۴۱/۸	-۱۲	۳۹/۵	۱۰/۶	۶/۴

## سهم واردات اندونزی از کل واردات اتحادیه

درصد

سال	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	میانگین کل دوره
سهم واردات	۱۲/۲۴	۱۱/۴۲	۱۱/۵	۱۱/۵	۱۲/۵	۹/۷۷	۸/۰۸	۹/۲۴	۱۰/۹۶	۱۰/۸

## ۳- مالزی

مالزی ۳۲۹/۷ هزار کیلومتر مربع مساحت دارد و خاک آن در دو سوی تنگه ملاکا واقع شده است. جمعیت مالزی بیش از ۲۲ میلیون نفر است که ۷۵ درصد آن مسلمانند، بزمانهای چینی، تاملیلی و انگلیسی سخن می‌گویند و از نژادهای مالایایی (۵۴٪)، چینی (۳۵٪) و هندی (۱۱٪) هستند. واحد پول آن، دلار مالزی (رینگیت) است.

جدول بالا نشان می‌دهد که بالاترین میانگین نرخ رشد صادرات مربوط به سالهای ۱۹۶۹-۷۳ بوده است و این رقم از آن پس کاهش یافته و بار دیگر در دوره ۱۹۸۹-۹۳ به ۱۷/۴۲ رسیده است. کمابیش در همه سالهای دوره بیست و هشت ساله مورد بررسی، نرخ رشد صادرات مالزی مثبت بوده است (به غیر از ۵ سال).

صادرات کالاهای کارخانه‌ای مالزی بیشتر از کالاهای مهندسی و الکترونیک بوده و سهم کالاهای الکترونیک در صادرات مالزی از ۰/۸ درصد در سال ۱۹۶۳ به ۱۰/۲ درصد در سال ۱۹۸۱ و ۲۰/۳ درصد در سال ۱۹۹۸ افزایش یافته است.

مالزی از یک صادرکننده کالا و مواد اولیه نفتی و غیرنفتی به صادرکننده کالاهای صنعتی تبدیل شده و با پیوستن به آسه‌آن به موفقیت‌های چشمگیری دست یافته است. آمارها نشان می‌دهد که سهم صنعت و کشاورزی در GDP مالزی به ترتیب از ۲۵ و ۲۹ درصد به ۴۴ و ۱۶ درصد تغییر یافته و این روند نشانگر صنعتی شدن این کشور است. همچنین، در حالی که سهم کالاهای اولیه غیرنفتی در صادرات مالزی در ۱۹۶۳ برابر با ۳/۹۰ درصد بوده این نسبت در سال ۱۹۹۳ به ۱۸/۳ درصد کاهش یافته است و سهم صادرات کالاهای صنعتی در همین دوره از ۴/۷ به ۷۰/۷ درصد افزایش پیدا کرده است، که این نیز بیانگر صنعتی شدن و پیشرفت فراوان کشور مالزی است.

سهم صادرات مالزی در کل صادرات آسه‌آن در دوره ۲۰۰۱-۱۹۶۷، ۲۱/۶ درصد بوده است که از این لحاظ پس از سنگاپور و اندونزی قرار دارد. همچنین از نظر سهم صادرات در کل صادرات اتحادیه در دوره‌های گوناگون، عملکرد تجاری مالزی در دوره ۱۹۶۸-۷۲ با ۲۵/۵۷ درصد، موفق‌تر از دیگر دوره‌ها بوده است.

جدولهای زیر وضع واردات مالزی را نشان می‌دهد:

آمارها گویای آن است که در زمینه واردات، مالزی پس از سنگاپور بازرترین اقتصاد را در میان اعضای آسه‌آن داشته و از نظر سهم واردات در رتبه دوم بوده است. سهم این کشور در کل واردات اتحادیه در دوره ۲۰۰۱-۱۹۹۳، ۲۱/۳۵ درصد بوده است.

در سال ۱۹۹۴ آمریکا، سنگاپور و ژاپن مهم‌ترین شریکان بازرگانی مالزی بوده‌اند و سهم این سه کشور در صادرات مالزی به ترتیب ۲۱/۲، ۲۰/۷ و ۱۱/۹ درصد بوده است. سهم این کشورها در واردات مالزی نیز به ترتیب ۱۶/۷، ۱۴/۸ و ۲۶/۷ درصد بوده است. در واقع ژاپن و ایالات متحده آمریکا به ترتیب رده‌های اول و دوم را در میان طرفهای تجاری مالزی به خود اختصاص داده‌اند و آسه‌آن سومین شریک بازرگانی این کشور بوده است.

سالهای ۷۰-۱۹۵۰ را از نظر سیاستگذاری اقتصادی می‌توان دوره سیاست جایگزینی واردات نامید. همچنین نرخ مؤثر حمایت از تولیدکنندگان (صنعت) در این کشور پایین بوده است. سالهای ۸۵-۱۹۷۰ دورانی تازه در سیاستگذاری اقتصادی در مالزی بوده است. در این دوران، همپای سیاستهای حمایتی، سیاستهای تشویق صادرات به کار گرفته شد و دولت در جهت افزایش صادرات و کسب درآمدهای ارزی بیشتر، صدور مواد طبیعی از جمله چوب، قلع، نفت، روغن نخل و کائوچو را مورد تأکید قرار داد و گذشته از مواد طبیعی، به صدور کالاهای سبک مانند پوشاک نیز توجه کرد. در این راستا معافیت‌های مالیاتی برای صادرکنندگان و فعالیتهای مربوط به صادرات در نظر گرفته شد. پرداخت وام و اعتبار با نرخهای ترجیحی نیز از سیاستهای انگیزشی صادرات در برنامه تازه اقتصاد مالزی به‌شمار می‌رفت. در این دوره مناطق آزاد صادراتی و تجاری نیز ایجاد شد، و گذشته از آن دولت مالزی به پشتیبانی از صنایع پرداخت که بتواند عوارض گمرکی آنها را وارد کرد تا پس از موتناژ شدن دوباره به خارج صادر شوند. سرمایه‌گذاری خارجی نیز در کنار این سیاستها تشویق شد. این سرمایه‌گذارها بیشتر از سوی ژاپن و کشورهای شمال شرق آسیا انجام شد و ترکیب این سیاستها بطور کلی در این دوره پاسخ مساعدی برای اقتصاد آن کشور بود.

در سال ۱۹۸۰ نزدیک به ۷۰ درصد از کل صادرات کالاهای صنعتی مربوط به مناطقی می‌شد که بیشتر شرکتهای خارجی در آنجا فعالیت داشتند. دولت از سال ۱۹۸۶ سیاست آزادسازی و تعدیل اقتصادی را در دستور کار قرار داد. از این سال پشتیبانیه‌ها و سیاستهای دولت برای پیشبرد اهداف صنعتی کاهش یافت و این کار به‌عهد بخش خصوصی گذارده شد. واگذاری سیاستها و فعالیتهای بازار و بخش خصوصی در شرایطی انجام شد که دولت همزمان سیاستهای موقدی برای برقراری ثبات و نظم در جامعه اعمال کرد. انگیزش‌ها و معافیت‌های مالیاتی برای صادرات افزایش یافت و از تعرفه‌های گمرکی کاسته شد. بر این پایه، بازرگانی خارجی، به دوران تازه‌ای به نام «دوران آزادسازی و مقررات‌زدایی» گام نهاد.



درصد

## میانگین نرخ رشد صادرات مالی

سال	۱۹۶۹-۷۳	۱۹۷۴-۷۸	۱۹۷۹-۸۳	۱۹۸۴-۸۸	۱۹۸۹-۹۳	۱۹۹۴-۹۸	۱۹۹۹-۲۰۰۱	۱۹۶۹-۲۰۰۱
میانگین نرخ رشد صادرات	۲۱/۳	۲۰/۸۲	۱۵/۴۳	۹/۴۹	۱۷/۴۲*	۱۴	۳/۵۴	۱۴/۵۷

درصد

## میانگین سهم صادرات مالی از کل صادرات آسه آن

سال	۱۹۶۸-۷۲	۱۹۷۳-۷۷	۱۹۷۸-۸۲	۱۹۸۳-۸۷	۱۹۸۸-۹۲	۱۹۹۳-۹۷	۱۹۹۸-۲۰۰۱	۱۹۶۸-۲۰۰۱
میانگین سهم صادرات	۲۵/۵۷	۱۹/۳۶	۱۸/۳۲	۲۰/۹۳	۲۱	۲۳/۰۵	۲۳	۲۱/۶

میلیارده دلار

## ارزش واردات مالی

سال	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱
واردات	۴۵/۶۵	۵۹/۶	۷۷/۷	۷۸/۴۲	۷۹/۰۳	۵۳/۳۲	۶۴/۹۷	۸۲/۲	۷۳/۸۷

درصد

## نرخ رشد واردات مالی

سال	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	دوره
نرخ رشد واردات	۳۰/۵۶	۳۰/۳۷	۰/۹۳	۰/۷۸	-۴۸/۲	۲۱/۸۵	۲۶/۵۲	-۱۰/۱۴	۶/۵۸

درصد

## سهم واردات مالی از کل واردات اتحادیه

سال	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	میانگین کل دوره
سهم واردات	۱۹/۷۲	۲۱/۲۸	۲۲	۲۱	۲۱	۲۰/۸۵	۲۱/۸۴	۲۲/۶۵	۲۱/۸۵	۲۱/۳۵

## ع- تایلند

تایلند با ۵۱۴ هزار کیلومتر مربع مساحت در شبه جزیره هندوچین واقع شده است. حکومت تایلند پادشاهی و پایتخت آن بانکوک است. جمعیت تایلند نزدیک به ۶۰ میلیون نفر است که بیشتر آنها بودایی و اقلیتی نیز مسلمانند. بات، واحد پول تایلند است.

تایلند پس از سنگاپور کمترین نرخ رشد جمعیت و کمترین درصد جمعیت شهرنشین را در میان کشورهای عضو آسه آن دارد. نرخ بیکاری در سالهای ۹۵-۱۹۹۱ کاهش داشته است و در سال ۱۹۹۵ جمعیت فعال تایلند بیش از ۳۴ میلیون نفر بوده که ۸۵۰ هزار نفر از آنان بیکار بوده‌اند.

بر پایه آمارهای ارائه شده، نرخ رشد صادرات تایلند، به غیر از پنج سال، همواره مثبت و بالاترین میانگین نرخ رشد مربوط به دوره ۷۸-۱۹۷۴ بوده است.

سهم بخشهای کشاورزی و صنعت در GDP تایلند به ترتیب از ۲۶ و ۲۵ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۱۰ و ۳۹ درصد در سال ۱۹۹۳ تغییر یافته که بیانگر موفقیت در روند صنعتی شدن است.

سهم کالاهای اولیه غیر نفتی در کل صادرات تایلند از ۹۶/۵ درصد در سال ۱۹۶۳ به ۲۶/۲ درصد در ۱۹۹۳ کاهش یافته و سهم کالاهای صنعتی از ۲/۵ به ۷۱/۲ درصد رسیده است. این امر نیز بیانگر موفقیت در روند صنعتی شدن و ایجاد ارتباط بهتر این بخش با دیگر بخشها و همچنین اشتغالزایی رو به رشد بخش صنعت است.

بر اساس جدولها، بالاترین سهم صادرات تایلند در کل صادرات اتحادیه در دوره ۹۷-۱۹۹۳ با ۱۷/۷۳ درصد تحقق یافته است و سهم صادرات این کشور در صادرات آسه آن در کل دوره ۲۰۰۱-۱۹۶۸ برابر با ۱۳/۵۷ درصد بوده است و از این لحاظ پس از سنگاپور، اندونزی و مالزی چهارمین رتبه را در کل اتحادیه داشته است.

وضع واردات کشور تایلند در جدولهای زیر نشان داده شده است.

تایلند از نظر سهم واردات در کل واردات اتحادیه، در مرتبه سوم (پس از سنگاپور و مالزی) و سهم این کشور در کل واردات اتحادیه در دوره ۲۰۰۱-۱۹۹۳، ۱۸/۱۳ درصد بوده است.

در سال ۱۹۹۴ آمریکا با ۲۱ درصد بیشترین سهم را از صادرات تایلند و ژاپن با ۳۰/۲ درصد بیشترین سهم را از واردات این کشور داشته است. در واقع این دو کشور شریکان عمده تجاری تایلند به شمار می آیند.

میانگین نرخ رشد صادرات تایلند درصد

سال	۱۹۶۹-۷۸	۷۸-۸۷	۸۷-۹۶	۹۶-۰۱	۰۱-۱۰	۱۰-۱۹	۱۹-۲۰
میانگین نرخ رشد صادرات	۱۹/۹۳	۲۳/۱۴	۱۰/۱۵	۲۱/۲۹	۱۸/۳۲	۱۲/۷	۳/۵۶

درصد

سال	۱۹۹۳	۱۹۸۸	۱۹۸۱	۱۹۷۳	۱۹۶۳
مواد سوختی	۱/۱	۰/۷	۰	۱/۳	۰
کالاهای اولیه غیر نفتی	۲۷/۲	۴۶/۸	۷۲/۷	۷۸/۶	۹۶/۵
حیوانات زنده و مواد خوراکی	۲۱/۴	۳۶/۳	۵۳/۷	۶۴/۴	۵۶
سبزیها و تنباکو	۰/۴	۰/۵	۱/۲	۱/۱	۰/۵
مواد اولیه صنعتی	۴/۵	۱۰	۱۷/۸	۳۳/۶	۴۰/۱
کالاهای کارخانه ای	۷۱/۲	۵۱/۶	۲۵/۵	۱۶	۲/۵
دیگر کالاها	۱/۶	۰/۹	۱/۸	۴	۱

ترکیب کالاهای صادراتی تایلند بر حسب گروههای عمده کالایی

درصد

## میانگین سهم صادرات تا بلند از کل صادرات آسه آن

سال	۱۹۶۸-۷۲	۱۹۷۳-۷۷	۱۹۷۸-۸۲	۱۹۸۳-۸۷	۱۹۸۸-۹۲	۱۹۹۳-۹۷	۱۹۹۸-۲۰۰۱	۱۹۶۸-۲۰۰۱
میانگین سهم صادرات	۱۲/۴۲	۱۰/۷۹	۹/۸۲	۱۱/۰۶	۱۶/۶۶	۱۷/۷۳	۱۶/۵	۱۳/۵۷

میلارده دلار

## ارزش واردات تا بلند

سال	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱
واردات	۴۶/۰۷	۵۴/۴۶	۷۰/۷۹	۷۲/۳۳	۶۲/۸۵	۴۲/۹۷	۵۰/۳۴	۶۱/۹۲	۶۲/۰۶

درصد

## نرخ رشد واردات تا بلند

سال	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	میانگین کل دوره
نرخ رشد واردات	۱۸/۲	۳۰	۲/۱۷	-۱۳/۱	-۳۱/۶۳	۱۷/۱۵	۲۳	۰/۲۳	۵/۷۵

درصد

## سهم واردات تا بلند از کل واردات اقتصادی

سال	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	میانگین کل دوره
سهم واردات	۲۰	۱۹/۴۵	۲۰	۱۹/۳۴	۱۶/۷۸	۱۵/۳۶	۱۶/۹	۱۷	۱۸/۳۵	۱۸/۱۳

## ۵- فیلیپین

فیلیپین با ۳۰۰ هزار کیلومتر مربع مساحت در شرق دریای چین و غرب اقیانوس آرام واقع شده است. حکومت فیلیپین جمهوری و پایتخت آن منایل است. جمعیت این کشور نزدیک به ۷۰ میلیون نفر است که به زبان‌های تاگالوگ، انگلیسی و اسپانیولی سخن می‌گویند. مردم این کشور از نژادهای مالایایی و پلی‌نزی هستند. اکثریت با مسیحیان است و اقلیتی مسلمان نیز در این کشور به سر می‌برند. واحد پول کشور، پزوی فیلیپین است.

فیلیپین، بالاترین میانگین نرخ رشد صادرات را در دوره ۱۹۹۴-۹۷ با ۲۲/۶ درصد داشته است. ترکیب صادرات این کشور نیز سخت به سود کالاهای صنعتی با ارزش افزوده بالا دگرگون شده است. در حالی که سهم صادرات کالاهای اولیه سوختی و غیر نفتی در کل صادرات این کشور ۹۵/۳ درصد و سهم کالاهای ساخته شده صنعتی تنها ۴/۶ درصد بوده است، در سال ۱۹۹۳ این نسبتها به ترتیب به ۲۳/۲ و ۴۱ درصد تغییر کرده است. همچنین سهم بخشهای کشاورزی و صنعتی در GDP کشور به ترتیب از ۳۰ و ۳۲ درصد در سال ۱۹۷۰ به ۲۲ و ۳۳ درصد در سال ۱۹۹۳ رسیده است.

بالاترین سهم کشور فیلیپین در کل صادرات آسه آن در دوره ۱۹۶۸-۷۲، ۱۵/۶۵ درصد بوده است. سهم این کشور در کل صادرات اتحادیه در دوره ۱۹۶۸-۲۰۰۱، ۹/۴ درصد و پس از کشورهای سنگاپور، اندونزی، مالزی و تایلند در رده پنجم بوده است. جدولهای زیر وضع واردات فیلیپین را نشان می‌دهد:

فیلیپین از نظر سهم واردات در کل واردات اتحادیه در جایگاه پنجم قرار دارد و این امر گویای بسته بودن اقتصاد این کشور در مقایسه با کشورهای سنگاپور، مالزی و تایلند است. سهم این کشور در کل واردات اتحادیه در دوره ۱۹۹۳-۲۰۰۱، ۹/۴ درصد بوده است. ژاپن با ۳۹/۶ درصد در ۱۹۷۰ بالاترین سهم را در صادرات فیلیپین و با ۳۰/۵ درصد بالاترین سهم را در واردات این کشور داشته است. در سال ۱۹۹۳ آمریکا و کانادا با ۴۰/۸ درصد بالاترین سهم را در صادرات فیلیپین و ژاپن با ۲۲/۸ درصد بالاترین سهم را در واردات این کشور داشته‌اند. بنابراین ژاپن همواره از شریکان عمده این کشور بوده است.

در دوران استعمار، فیلیپین فرآورده‌های کشاورزی مانند مغز نارگیل را با کالاهای صنعتی مبادله می‌کرد. پس از استقلال، سیاست جاننشینی واردات کالاهای صنعتی در کنار تدابیر سخت‌حمایتی به کار گرفته شد و بر اثر این سیاست صدور کالاهای غیر نفتی تشویق شد. با وجود تلاشهایی که برای آزادسازی صورت گرفته، میزان حمایت از کالاهای داخلی همچنان بالاتر از دیگر کشورهای جنوب شرقی آسیا است.

بخش کشاورزی فیلیپین به علت در پیش گرفته شدن سیاست جاننشینی واردات صنعتی چندان کارایی نداشت، اما فیلیپین در محصول برنج به علت وجود انواع پر بازده آن، تسهیلات اعتباری و کود همراه با خدمات گسترده و قیمت‌های تضمین شده به خود کفایی رسید. جایگزینی واردات کالاهای صنعتی موجب رشد پرشتاب کالاهای کارخانه‌ای در دهه ۱۹۵۰ شد اما راهگشای مشکلات مبادلات خارجی کشور نبود. زیرا گسترش صنایع سازنده کالاهای مصرفی نیازمند واردات کالاهای سرمایه‌بر و مواد اولیه صنعتی بود. در سال ۱۹۷۳ تعرفه کالای نهایی برای دومین بار افزایش یافت و با کاهش تعرفه بر مواد اولیه، حمایت مؤثر از ارزش افزوده به گونه چشمگیر افزایش یافت. در نتیجه، جایگزینی واردات در صنایع سرمایه‌بر که کارایی کمتری داشتند از جمله کاغذ، صنایع شیمیایی، کالاهای کاتوجویی و کالاهای فلزی رخ داد.

از سوی دیگر فیلیپین سیاستهای پولی و مالی انبساطی را به کار گرفت و اجازه داد پول داخلی در برابر ارزهای خارجی بیش از مقدار واقعی ارزش گذاری شود. همچنین فعالیتها به سوی بخش عمومی که نسبت به بخش خصوصی کارایی کمتری داشت سوق داده شد. این عوامل موجب کاهش فعالیت‌های کارخانه‌ای شد. در همان زمان فیلیپین استقرار خارجی کلانی کرد که به گونه کارآمد مورد بهره‌برداری قرار نگرفت و همچنین در پروژه‌های ظاهر فریب، سرمایه‌گذاری سنگینی شد که مانع بهبود در امر تولید گردید. در نتیجه امکان بازپرداخت وامها فراهم نشد و دولت ناگزیر بیش از پیش به سوی گسترش بخش دولتی گام برداشت به گونه‌ای که در اواسط سال ۱۹۸۵ نزدیک به ۹۶ شرکت دولتی و ۱۴۹ مؤسسه وابسته به آنها وجود داشت.

وضع اقتصاد فیلیپین پس از ۱۹۸۱ دگرگون شد که این امر معلول تأثیر مشترک سیاست حمایت از کالاهای داخلی، بالا بودن بدهکاری خارجی و فساد دولت مارکوس بود.

از زمانی که آکینو قدرت را در دست گرفت هر چند هنوز سیاستهای محدودکننده وجود داشت، اما رشد اقتصادی از سر گرفته شد.

میانگین نرخ رشد صادرات فیلبین		درصد						
سال	۱۹۶۹-۷۳	۷۸-۸۱	۸۷-۹۰	۹۷-۱۰۰	۱۰۱-۱۰۴	۱۰۵-۱۰۸	۱۰۹-۱۱۲	۱۱۳-۱۱۶
میانگین نرخ رشد صادرات	۷/۸۴	۱۴/۱۴	۸/۸	۸/۳۵	۱۰/۰۸	۲۲/۶	۸/۱۱	۱۱/۳

ترکیب کالا های صادراتی فیلبین بر حسب گروه های عمده کالایی		درصد			
۱۹۹۳	۱۹۸۸	۱۹۸۱	۱۹۷۳	۱۹۶۳	
مواد سوختی	۰/۲	۲	۰/۷	۰/۹	۰/۴
کالاهای اولیه غیر نفتی	۲۱/۲	۳۵	۵۴/۶	۸۳/۱	۹۴/۹
حیوانات زنده و مواد خوراکی	۱۱/۷	۱۳/۹	۲۳/۵	۲۴/۲	۲۸/۲
سبزیها و تنباکو	۰/۴	۰/۴	۰/۹	۱/۶	۱/۸
مواد اولیه صنعتی	۹/۲	۲۰/۷	۳۰/۲	۵۷/۳	۶۴/۹
کالاهای کارخانه ای	۴۱	۲۶/۷	۲۳/۳	۱۲/۲	۴/۶
دیگر کالاها	۳۵/۷	۲۶/۳	۲۱/۴	۳/۸	۰/۱

میانگین سهم صادرات فیلبین از کل صادرات آسه آن		درصد						
سال	۱۹۶۸-۷۲	۷۸-۸۱	۸۷-۹۰	۹۷-۱۰۰	۱۰۱-۱۰۴	۱۰۵-۱۰۸	۱۰۹-۱۱۲	۱۱۳-۱۱۶
میانگین سهم صادرات	۱۵/۶۵	۱۱/۱۴	۸/۱۴	۹/۷۹	۵/۷۷	۵/۸۹	۹/۳۷	۹/۴

ارزش واردات فیلبین		مبلغه دلار							
سال	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱
واردات	۱۸/۷۷	۲۲/۶۴	۲۸/۳۴	۳۴/۱۲	۳۸/۶۲	۳۱/۵	۳۲/۵۷	۳۳/۸	۳۱/۳۶

درصد		نرخ رشد واردات فلیپین							
سال	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	میانگین کل دوره
نرخ رشد واردات	۲۰/۶	۲۵/۱۸	۲۰/۴	۱۳/۲	-۱۸/۴۶	۳/۴۳	۳/۷۸	-۷/۲	۷/۶۲

درصد		سهم واردات فلیپین از کل واردات اتحادیه								
سال	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	میانگین کل دوره
سهم واردات	۸/۱	۸/۰۸	۸/۰۳	۹/۱۳	۱۰/۳	۱۱/۲۶	۱۱	۹/۳	۹/۲۷	۹/۴

### ۶- بروئی (دارالسلام)

بروئی با ۵۷۷۰ کیلومتر مربع مساحت از شرق و غرب و جنوب با مالزی همسایه است و از شمال به دریای چین می‌پیوندد. حکومت این کشور پادشاهی و پایتخت آن بندر سری بگوان است. جمعیت آن ۲۷۴ هزار نفر است که به زبانهای مالایی، چینی و انگلیسی سخن می‌گویند و بیشتر مسلمانند.

این کشور پس از سنگاپور بالاترین امید به زندگی را به خود اختصاص داده است.

بروئی بیشترین میانگین نرخ رشد صادراتی را در دوره ۷۸-۱۹۷۴ با ۵۰/۴ درصد داشته است. نزدیک به ۹۰ درصد صادرات این کشور را نفت و گاز تشکیل می‌دهد و شاید بتوان گفت عملکرد این کشور در دگرگونی ترکیب صادرات به سود کالاهای کارخانه‌ای و با ارزش افزوده بالا ضعیف بوده است و نه تنها موقعیت چندانی در این زمینه نداشته، بلکه نسبت به گذشته نیز موقعیت صنعتی نامناسب‌تری پیدا کرده است. سهم بخش‌های کشاورزی و صنعت و خدمات در GDP این کشور به ترتیب از ۸۲،۱ و ۱۵ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۴۷،۳ درصد در سال ۱۹۹۱ تغییر یافته است که بیانگر تضعیف جایگاه بخش صنعت و رشد فزاینده بخش خدمات در اقتصاد ملی این کشور است.

سهم بروئی در کل صادرات آسه آن در دوره ۲۰۰۱-۱۹۶۸ نزدیک به ۳ درصد بوده است که دارای کمترین سهم در مقایسه با سهم دیگر اعضا است.

جدولهای زیر وضع واردات کشور بروئی را نشان می‌دهد:

اقتصاد بروئی بسته‌ترین اقتصاد در میان اعضای اتحادیه و سهم این کشور در کل واردات اتحادیه در دوره ۲۰۰۱-۱۹۹۳ تنها ۰/۷۷ درصد بوده است.

در ۱۹۹۴ ژاپن با ۵۰ درصد بالاترین سهم در صادرات بروئی و سنگاپور با ۲۹ درصد بالاترین سهم در واردات این کشور را داشته‌اند. جمع‌بندی عملکرد صادراتی و وارداتی اعضای آسه آن با توجه به موفقیت در عملکرد صادراتی و درجه باز بودن اقتصاد به لحاظ سهم در کل واردات اتحادیه به ترتیب در جدول زیر آمده است:

بنابراین سنگاپور موفقترین عملکرد صادراتی و بازترین اقتصاد را داشته است و عملکرد صادراتی اندونزی در مرتبه دوم و از نظر درجه باز بودن اقتصاد، مالزی در رتبه دوم قرار داشته است. با توجه به این معیارها، اقتصاد بروئی دارای ضعیف‌ترین عملکرد بوده است.

## میانگین نرخ رشد صادرات پروشی

سال	۸۳-۶۶	۷۸-۳۸	۸۷-۶۸	۷۷-۳۷	۸۵-۶۷	۸۵-۳۵	۱۰۰۱-۷۵	۱۰۰۱-۶۶
میانگین نرخ رشد صادرات	۳۵/۵۸	۵۰/۴	۱۷/۶۵	-۱۳/۱۴	۶۲۲	۱/۹۹	۱۶/۵۸	۱۶/۴۷

## میانگین سهم صادرات پروشی از کل صادرات آسه آن

سال	۸۳-۷۲	۷۸-۳۸	۸۷-۷۷	۸۷-۳۷	۸۵-۶۲	۸۵-۳۵	۱۰۰۱-۷۵	۱۰۰۱-۶۶
میانگین سهم صادرات	۱/۷۲	۴/۲۹	۵/۵۱	۶/۳	۱/۴۹	۳/۱	۰/۷۳	۳/۰۵

## ارزش واردات پروشی

سال	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱
واردات	۳/۰۵	۲/۷۶	۲/۹۶	۳/۰۱	۳/۱۵	۲/۳۵	۱/۳۳	۱/۴۲	۱/۳۲

## نرخ رشد واردات پروشی

سال	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	میانگین کل دوره
نرخ رشد واردات	-۹/۵	۷/۲۵	۱۸/۵۸	-۱۰/۳	-۲۵/۴	-۴۳/۴	۶/۷۷	-۷	-۷/۸۷

سال	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	میانگین کل دوره
سهم واردات	۱/۳۲	۰/۹۸	۰/۸۳	۰/۹۴	۰/۸۴	۰/۸۴	۰/۴۵	۰/۳۹	۰/۳۹	۰/۷۷

کشور	صادرات	کشور	واردات
سنگاپور	۳۱	سنگاپور	۳۶/۱۵
اندونزی	۲۲/۶	مالزی	۲۱/۳۵
مالزی	۲۱/۶	تایلند	۱۸/۱۳
تایلند	۱۳/۵۷	اندونزی	۱۰/۸
فیلیپین	۹/۴	فیلیپین	۹/۴
برونئی	۳/۵	برونئی	۰/۷۷

عملکرد صادراتی  
(سهم در کل اتحادیه)  
و درجه باز بودن  
اقتصاد  
(سهم در کل اتحادیه)  
در دوره  
۱۹۶۸-۲۰۰۱

### ۷- عملکرد آسه آن بعنوان یک مجموعه

برای بررسی عملکرد اتحادیه با توجه به اطلاعات داده شده از دو معیار میانگین رشد صادرات در هر دوره و میانگین سهم صادرات در GDP کل در هر دوره نسبت به دوره پیش بهره می‌جویم.

موفقترین عملکرد اتحادیه از نظر میانگین نرخ رشد صادرات در دوره ۱۹۷۴-۷۸ با میانگین رشد ۲۷/۵۷ درصد تحقق یافته و ضعیفترین عملکرد مربوط به دوره ۱۹۹۸-۲۰۰۱ با رشد ۳/۸۸ درصدی بوده است. همچنین عملکرد اتحادیه در زمینه صادرات، در مجموع روندی کاهشی داشته است، به گونه‌ای که از میانگین نرخ رشد ۲۲/۰۷ درصد در دوره ۱۹۶۹-۷۳ و ۲۵/۵۷ درصد در دوره ۱۹۷۴-۷۸ سرانجام به ۳/۸۸ درصد در دوره ۱۹۹۸-۲۰۰۱ کاهش یافته است. این امر می‌تواند نشان‌دهنده شکل گرفتن اتحادیه‌های منطقه‌ای دیگر مانند نفتا، آیک (APEC) و نیز رقابت سخت‌تر اتحادیه اروپا، ژاپن، چین، کره جنوبی تایوان و هنگ کنگ با آسه آن در زمینه صادرات باشد.

سال	۱۹۶۸	۱۹۶۹	۱۹۷۰	۱۹۷۱	۱۹۷۲	۱۹۷۳	۱۹۷۴	۱۹۷۵	۱۹۷۶	۱۹۷۷	۱۹۷۸	۱۹۷۹
صادرات	۴/۹۵۷	۵/۷۰۳	۶/۱۹۴	۶/۶۷۴	۸/۶۴	۱۲/۹۲	۲۳/۶۲	۲۱/۸۸	۲۷/۳۰	۳۳/۱۶	۳۸/۵۲	۵۳/۴۴
سال	۱۹۸۰	۱۹۸۱	۱۹۸۲	۱۹۸۳	۱۹۸۴	۱۹۸۵	۱۹۸۶	۱۹۸۷	۱۹۸۸	۱۹۸۹	۱۹۹۰	۱۹۹۱
صادرات	۷۱/۰۹	۷۴/۹۵	۶۸	۷۱/۷۵	۷۸/۴۴	۷۱/۵	۶۶/۲۳	۸۲/۹۶	۱۰۴/۳	۱۲۱/۶	۱۴۳/۲	۱۶۱/۳
سال	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	-	-
صادرات	۱۸۲/۸	۲۰۸/۱	۲۵۶/۳	۳۱۳/۲	۳۳۸/۵	۳۴۱/۸	۳۲۷/۱	۳۵۵/۸	۴۲۲/۹	۳۸۹/۸		



## نرخ رشد صادرات کل اتحادیه

درصد

سال	۱۹۶۹	۱۹۷۰	۱۹۷۱	۱۹۷۲	۱۹۷۳	۱۹۷۴	۱۹۷۵	۱۹۷۶	۱۹۷۷	۱۹۷۸	۱۹۷۹	۱۹۸۰
رشد صادرات	۱۵/۰۴	۸/۶	۷/۷۵	۲۹/۴۶	۴۹/۵۴	۸۲/۸۲	-۷/۳۹	۲۴/۷۹	۲۱/۴۸	۱۷/۱۷	۳۸/۷۲	۳۳/۰۳
سال	۱۹۸۱	۱۹۸۲	۱۹۸۳	۱۹۸۴	۱۹۸۵	۱۹۸۶	۱۹۸۷	۱۹۸۸	۱۹۸۹	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲
رشد صادرات	۵	-۸/۹	۵/۱۵	۹/۳۲	-۸/۸۵	-۶/۹۵	۲۴/۷	۲۵/۷۲	۱۷/۵۹	۱۷/۷۴	۱۲/۶۴	۱۳/۳۲
سال	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰	۲۰۰۱	-	-	-
رشد صادرات	۱۳/۸۷	۲۳/۱۵	۲۲/۱۹	۸/۰۸	۱	-۴/۳	۸/۷۷	۱۸/۹	-۷/۸۵			

## میانگین نرخ رشد صادرات کل اتحادیه

درصد

سال	۱۹۶۹-۷۸	۷۸-۸۵	۸۵-۹۲	۹۲-۹۹	۹۹-۰۶	۰۶-۱۳	۱۳-۲۰	۲۰-۲۷
میانگین نرخ رشد صادرات	۲۲/۰۷	۲۷/۵۷	۱۴/۶	۸/۷۹	۱۴/۸۳	۱۳/۶	۳/۸۸	۱۵

## ۸- مهمترین شریکان بازرگانی آسه آن

کشورهای عضو آسه آن، غیر از تایلند، همه در گذشته مستعمره کشورهای صنعتی بوده اند که این امر وابستگیهایی در امور اقتصادی و بویژه بازرگانی برای این کشورها به بار آورده است. بر این پایه تا سالها پس از استقلال اعضای آسه آن کشورهای صنعتی جایگاه خود را بعنوان بزرگترین شریکان بازرگانی کشورهای عضو حفظ کردند. با گذشت زمان و ایجاد تحولات ساختاری در اقتصاد این کشورها، این وضع آرام آرام دگرگون شد تا جایی که هم اکنون کشورهای در حال توسعه بیش از ۴۰ درصد بازرگانی خارجی کشورهای عضو آسه آن را به خود اختصاص داده اند. یکی از دلایل عمده این چرخش، تبدیل شدن کشورهای عضو از صادرکنندگان کالاهای اولیه به صادرکنندگان کالاهای صنعتی بوده است.

جدول زیر نشان دهنده وضع تجارت میان کشورهای آسه آن و شریکان بازرگانی عمده آنها در سال ۱۹۹۳ است. چنان که دیده می شود، کل تجارت این کشورها در سال ۱۹۹۳ بیش از ۴۳۳ میلیارد دلار بوده که ژاپن به تنهایی بیش از یک پنجم تجارت کشورهای عضو را به خود اختصاص داده است. پس از ژاپن، آمریکا و کانادا در مجموع با ۱۸/۵ درصد در رده دوم و اتحادیه اروپا با ۱۳/۹ درصد در رده سوم بوده اند. در سال ۱۹۹۳ بزرگترین بازار صادراتی کشورهای مالزی، فیلیپین، سنگاپور و تایلند، دو کشور آمریکا و کانادا بوده اند در حالی که برونی و اندونزی بیشترین صادرات را به ژاپن داشته اند. کمترین سهم از صادرات کشورهای برونی، اندونزی و تایلند به اتحادیه اروپا اختصاص داشته و سهم این اتحادیه از صادرات کشورهای مالزی، فیلیپین و سنگاپور پس از آمریکا و کانادا در رده دوم بوده است.

کشورهای آسه آن بخش عمده کالاهای وارداتی خود را از ژاپن تأمین کرده اند چنان که این کشور یک چهارم کل واردات ۱۹۹۳ آسه آن را تأمین کرده است. آمریکا و کانادا در رده دوم و اتحادیه اروپا در رده سوم جای داشته اند.

بررسی بازرگانی خارجی هر یک از اعضای آسه آن در سال ۱۹۹۳ گویای آن است که ژاپن بزرگترین منبع تأمین واردات کشورهای یادشده، غیر از برونی بوده است. ژاپن بیشترین سهم از صادرات برونی و کمترین سهم از واردات این کشور را داشته است. همچنین آمریکا و کانادا بیشترین سهم از صادرات تایلند و کمترین سهم از واردات این کشور را به خود اختصاص داده اند.

با توجه به آنچه گفته شده، ژاپن بزرگترین شریک بازرگانی آسه آن در سال ۱۹۹۳ بوده است که بیشترین سهم را از واردات آسه آن داشته و در صادرات آسه آن نیز پس از آمریکا و کانادا جای گرفته است.

تراز تجاری آسه آن، با اتحادیه اروپا و آمریکا و کانادا مازاد داشته در حالی که با ژاپن دارای کسری بوده است. مازاد تراز تجاری سال ۱۹۹۳ آسه آن نسبت به اتحادیه اروپا ۵۸۸/۵ میلیون دلار و نسبت به آمریکا و کانادا ۸/۳ میلیارد دلار بوده است. این وضع در پرتو این واقعیت است که کشورهای آسه آن کالاهای واسطه و قطعات یدکی را از ژاپن وارد و پس از موتاژ به بازارهای آمریکا و کانادا صادر می کنند.

تجارت آسه آن با ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۹۳ بیش از ۷۶/۴ میلیارد دلار بوده است که ۴۲/۲ میلیارد دلار آن را صادرات و ۳۴/۲ میلیارد دلار آن را واردات تشکیل داده است.<sup>۲</sup> مقایسه این ارقام با اطلاعات جدول بالا بیانگر آن است که ایالات متحده آمریکا دومین شریک بازرگانی کشورهای آسه آن به شمار می آید که در میان کشورهای صادرکننده کالا به آسه آن مقام دوم و در میان کشورهای واردکننده کالا از آسه آن مقام نخست را دارد.

## ۹- نتیجه گیری

توسعه صنعتی در جنوب شرقی آسیا از اوایل دهه ۱۹۶۰ آغاز شده است. در سال ۱۹۶۰ بخش صنعت کشورهای جنوب شرقی آسیا کمتر از یک پنجم تولید ناخالص داخلی آنها را به خود اختصاص می داد و سهم کالاهای کارخانه‌ای در تولید ناخالص داخلی حتی از این مقدار هم کمتر بود. همچنین در این سال کالاهای کارخانه‌ای سهم چشمگیری در صادرات کشورهای جنوب شرقی آسیا نداشت (به غیر از سنگاپور که کالاهای کارخانه‌ای ۲۶ درصد از صادرات این کشور را در بر می گرفت).

اوایل دهه ۱۹۹۰ چشم‌انداز فعالیتهای اقتصادی بسیاری از کشورهای منطقه به گونه دیگری بود، چنانچه در پنج کشور عضو آسه آن میزان تغییرات بخشی و درون بخشی در دوره ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ در بسیاری از موارد چشمگیر بود. سهم بخش صنعت در تولید ناخالص داخلی هر یک از کشورهای عضو آسه آن در آن دوره از ۴ تا ۲۰ درصد رشد داشته و نسبت نیروی کار شاغل در بخش صنعت در دهه ۱۹۹۰ بیش از نسبت مذکور در سال ۱۹۶۰ بوده است. بیشترین تغییرات به طور نسبی در کشور سنگاپور روی داده است به گونه‌ای که در صد نیروی کار شاغل در بخش صنعت (از کل نیروی کار) از ۲۳ درصد در سال ۱۹۶۰ به ۳۵/۷ درصد در سال ۱۹۹۰ رسیده است. اشتغال در بخش صنعت مالزی و فیلیپین در سال ۱۹۹۰ به ترتیب ۲۳/۱ و ۱۵/۳ درصد بوده است.

این تغییرات بیشترین اثر را بر تولید کالای صنعتی داشت به گونه‌ای که این کالاها که در سال ۱۹۶۰ سهم ناچیزی در اقتصاد کشورهای جنوب شرقی آسیا داشتند در اوایل دهه ۱۹۸۰ سهم عمده‌ای از اقتصاد این کشورها را به خود اختصاص دادند و تولید کالاهای صنعتی در هر یک از کشورهای عضو آسه آن یکی از مهمترین شاخصهای اقتصادی به شمار آمد. سهم صادرات کالاهای کارخانه‌ای از کل صادرات کشورهای سنگاپور، فیلیپین، تایلند و اندونزی در سالهای ۹۳-۱۹۶۳ رشد چشمگیری داشت.

مقایسه نرخ رشد تولیدات کارخانه‌ای در کشورهای عضو آسه آن با کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی بیانگر آن است که کشورهای آسه آن نه تنها در دهه ۱۹۶۰ از رشد بالاتری برخوردار بوده‌اند بلکه این روند دستکم تا اواسط دهه ۱۹۸۰ نیز ادامه داشته است.

گفتنی است که اقتصاد صنعتی جنوب شرقی آسیا در دهه ۱۹۹۰ تغییرات اساسی نسبت به سال ۱۹۶۰ داشته و گرچه صنایع مبتنی بر منابع تجدید شونده و منابع تجدیدناشدنی همچنان اهمیت خود را حفظ کرده، اما صنایع کارخانه‌ای رشد چشمگیری داشته است.<sup>۳</sup>

### ۹-۱ نقش عوامل بیرونی در صنعتی شدن کشورهای جنوب شرقی آسیا

یکی از مهمترین عوامل صنعتی شدن کشورهای جنوب شرقی آسیا، رشد چشمگیر تجارت در جهان و تولیدات کارخانه‌ای پس از جنگ جهانی دوم (در سالهای نخست دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰) بود که با رشد بازرگانی و فعالیتهای اقتصادی در سطح جهان همراه گردید. بالا بودن رشد اقتصادی کشورها، تقاضای گسترده و روزافزونی برای مواد خام جهت تولیدات صنعتی در پی داشت که این تقاضا برای منابع سرشار کشورهای جنوب شرقی آسیا دارای اهمیت بسیار بود و فعالیت شرکتهای چندملیتی را در منطقه به منظور بهره‌گیری از این منابع به دنبال داشت. بر این پایه شرکتهای چندملیتی نقش کارسازی در صنعتی شدن منطقه جنوب شرقی آسیا و بویژه رشد تولیدات صنعتی آن داشته‌اند. این شرکتهای بیشتر خواهان فعالیت در بخشهایی بودند که از تکنولوژی بالایی برخوردار بود مانند داروسازی، صنایع الکترونیک، کالاهای صنعتی مصرفی چون وسایل نقلیه موتوری و تلویزیون، صنایع تولیدکننده فرآورده‌های خوراکی، آشامیدنی و دخانیات؛ بدین ترتیب منطقه جنوب شرقی آسیا به مکان عمده‌ای برای فعالیت شرکتهای چندملیتی تبدیل شد و در حقیقت این منطقه پرشتاب‌ترین رشد سرمایه‌گذاری خارجی را در سالهای ۷۸-۱۹۶۷ در میان کشورهای در حال توسعه تجربه کرد به گونه‌ای که سهم کشورهای منطقه از سرمایه‌گذاری خارجی در آن دوران کمابیش دو برابر شد و از ۱۴ به ۲۴ درصد رسید.

کشورهای در حال توسعه	اروپای شرقی		ژاپن		آمریکا و کانادا		اتحادیه اروپا		کل اروپا		کل جهان	
	ارزش	سهام	ارزش	سهام	ارزش	سهام	ارزش	سهام	ارزش	سهام	ارزش	سهام
۳۵/۴	۸۴۹	۹/۵	۱۳۷۷	۴/۹	۱۱۶/۱	۲/۴	۲/۴	۲/۴	۴/۷۴	۱۰۰	۲۳۷۰	۱۰۰
۴۰/۰	۱۰۴۰/۲	۳/۷	۱۴۰/۴	۲۰/۳	۵۲۷/۹	۳۷/۱	۷۰۴/۸	۲۸/۸	۷۴۹	۱۰۰	۲۶۰۰/۶	۱۰۰
۳۶/۱	۱۳۲۲۷/۹	۱/۴	۱۱۱۷۶	۱۵/۱	۵۵۳۳	۱۴/۴	۵۲۷۶/۵	۱۴/۹	۵۴۵۱/۷	۱۰۰	۳۶۶۴۴/۵	۱۰۰
۳۴/۴	۹۷۴۴/۴	۰/۱	۶۴۶۰/۱	۱۲/۹	۳۶۵۴/۱	۲۰/۰	۵۶۶۵/۲	۲۲/۹	۷۰۵۲/۳	۱۰۰	۲۸۳۲۴/۷	۱۰۰
۴۸/۳	۲۲۷۲۷/۷	۰/۲	۶۱۱۷۲/۲	۲۱/۳	۱۰۰۲۲/۸	۱۴/۵	۶۸۲۳	۱۵/۴	۷۱۹۹/۵	۱۰۰	۴۷۰۵۵/۳	۱۰۰
۳۶/۷	۱۶۳۷۸/۵	۰/۲	۱۲۵۵۲/۶	۱۷/۸	۷۸۹۵/۳	۱۱/۶	۵۱۴۵/۲	۱۳/۸	۶۱۲۱/۱	۱۰۰	۴۴۳۵۵/۶	۱۰۰
۲۴/۲	۲۷۱۲/۳	۰/۴	۱۸۷۷/۶	۴۰/۸	۲۵۷۴/۵	۱۶/۴	۱۸۳۸/۸	۱۷/۰	۱۹۰۶/۱	۱۰۰	۱۱۲۱۲/۱	۱۰۰
۳۸/۵	۷۲۲۷/۵	۱/۴	۴۲۸۰/۷	۲۰/۹	۴۹۲۳/۵	۱۰/۰	۱۸۷۷/۳	۱۱/۵	۲۱۵۸/۹	۱۰۰	۱۸۷۲۲/۷	۱۰۰
۵۱۵/۰	۳۸۰۴۶/۳	۱۷/۰	۵۵۴۰/۷	۲۱/۰	۱۵۵۱۴	۱۴/۰	۱۰۴۱۶/۶	۱۵۶/۰	۱۱۵۲۴/۷	۱۰۰	۷۳۸۷/۴	۱۰۰
۴۴/۹	۳۸۱۷۰/۳	۰/۸	۱۸۵۳۲/۶	۱۶/۷	۱۴۱۹۷	۱۱/۵	۹۷۷۶/۴	۱۳/۷	۱۱۶۴۶/۶	۱۰۰	۸۵۰۱۱/۹	۱۰۰
۳۶/۰	۱۳۳۳۸/۹	۳/۳	۶۳۰۳/۶	۲۳/۰	۸۵۳۸/۴	۱۶/۶	۶۱۵۵/۳	۱۸/۵	۶۸۵۹/۸	۱۰۰	۳۷۰۸۰/۲	۱۰۰
۳۲/۹	۱۵۱۱۸/۶	۳/۴	۱۳۹۶۹/۸	۱۲/۶	۵۷۹۰/۱	۱۴/۷	۶۷۵۵/۱	۱۸/۱	۸۳۱۷/۵	۱۰۰	۲۵۹۵۳/۳	۱۰۰
۴۳/۷	۹۰۹۰۳/۱	۱/۵	۳۳۴۲۲/۱	۲۱/۳	۴۲۲۸۸/۸	۱۴/۷	۳۰۵۱۲/۶	۱۵/۸	۳۲۹۵۴/۵	۱۰۰	۲۰۸۲۳۷	۱۰۰
۳۸/۹	۸۷۵۹۱/۵	۱/۲	۵۵۷۲۵/۸	۱۶/۰	۳۵۹۸۷/۹	۱۳/۳	۲۹۹۲۴/۱	۱۶/۰	۳۶۰۴۶/۴	۱۰۰	۲۲۵۰۲۱	۱۰۰

منبع: UNCTAD, Handbook of Trade and Development Statistics, 1994 (New York: UN Pub, 1995).

سیاسی اقتصادی

میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ۵ کشور عضو آسه‌آن در سه مقطع ۱۹۷۰، ۱۹۸۰ و ۱۹۹۳ در جدول بالا آمده است. گفتنی است که در سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ مالزی بیشترین سهم را از کل سرمایه‌گذاری‌های یادشده داشته اما در سال ۱۹۹۳ سهم سنگاپور کمابیش ۱/۵ برابر سهم مالزی بوده است و رتبه نخست را در میان کشورهای عضو آسه‌آن در زمینه جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی به خود اختصاص داده است. یکی از اهداف سیاستهای اقتصادی سنگاپور حفظ جایگاه مهم سرمایه‌گذاری خارجی در بسیاری از بخشها بوده است. اطلاعات موجود بیانگر آن است که ۷۵/۱ درصد از سرمایه‌گذاری ثبت شده در فعالیتهای تولیدی سال ۱۹۹۴ سنگاپور در بخش سرمایه‌گذاری خارجی بوده که نیمی از آن از سوی آمریکاییان انجام پذیرفته است. سرمایه‌گذاری خارجی ثبت شده از سوی بانک مرکزی فیلیپین در سال ۱۹۹۴ نزدیک به ۴ میلیارد دلار بوده که ۱/۹ میلیارد دلار آن (۴۷/۵٪) مربوط به آمریکا بوده است. سهم سرمایه‌گذاری آمریکا از سرمایه‌گذاری خارجی در فیلیپین در سالهای ۱۹۸۷ و ۱۹۹۰ به ترتیب ۵۷/۱ و ۵۴/۱ درصد بوده است. نسبت سرمایه‌گذاری خارجی به تولید ناخالص داخلی سال ۱۹۹۳ در سنگاپور ۱۰/۶۱ درصد، مالزی ۶/۸۷ درصد، فیلیپین ۱/۴۰ درصد، اندونزی ۱/۲۷ درصد و تایلند ۱/۱۹ درصد بوده است. این ارقام گویای آن است که سهم سرمایه‌گذاری خارجی در تولید ناخالص داخلی سنگاپور و مالزی تفاوت چشمگیری با این سهم در فیلیپین، اندونزی و تایلند داشته است.

بخش اعظم شرکتهای خارجی فعال در جنوب شرقی آسیا به آمریکا و ژاپن تعلق دارند. سرمایه‌گذاری ژاپن در منطقه پس از سال ۱۹۸۵ به‌علت دگرگونی در ارزش بین‌رشدی پرشتاب داشته است. از نکات مهمی که در امر سرمایه‌گذاری خارجی در کشورهای آسه‌آن به چشم می‌خورد افزایش چشمگیر حضور کشورهای تازه صنعتی شده منطقه و شرق آسیا بویژه سنگاپور، هنگ کنگ، کره جنوبی و تایوان در کشورهای عضو آسه‌آن است به گونه‌ای که ۲۹ درصد از سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی انجام شده در کشورهای اندونزی، مالزی، فیلیپین، و تایلند در سالهای ۱۹۸۶-۹۲ مربوط به کشورهای تازه صنعتی شده بوده است. برای نمونه، هنگ کنگ شماری از کارخانه‌های پارچه‌بافی و پوشاک خود را به منظور رهایی از محدودیتهای تریبات الیاف چندگانه و به تازگی نیز به‌علت نبود ثبات سیاسی نسبت به دوره پس از سال ۱۹۹۷ - که مقرر بود هنگ کنگ به چین بازگردانده شود - به کشورهای عضو آسه‌آن منتقل کرده است. بنابراین در پرتو اهمیت رو به رشد سرمایه‌گذاریهای ژاپن و رشد سرمایه‌گذاری دیگر کشورهای آسیایی در آسه‌آن و با آنکه همچنان بخش عمده‌ای از سرمایه‌گذاریهای خارجی این منطقه به سرمایه‌گذاران آمریکایی و اروپایی تعلق دارد، بسیاری از شرکتهای خارجی این منطقه شخصیت آسیایی یافته‌اند.

## ۲-۹- نقش عوامل درونی در صنعتی شدن کشورهای جنوب شرقی آسیا

با وجود نقش تردیدناپذیر عوامل بیرونی، این عوامل به تنهایی نمی‌توانند بیان‌کننده رشد پرشتاب صنعتی در کشورهای جنوب شرقی آسیا باشند، بویژه که این امر در اختلاف سطح صنعتی شدن کشورهای گوناگون منطقه آشکار است. یکی از مهمترین عوامل داخلی، وجود منابع سرشار طبیعی و پایین بودن سطح دستمزد نیروی کار در آن کشورها است که نقشی کارساز در سودآوری و در نتیجه جذب سرمایه‌های خارجی داشته است. از دیگر عوامل بسیار مهم می‌توان نقش دولت در آزادسازی تجاری را نام برد. با توجه به تجارب اقتصادی پیش از جنگ، کشورهای جنوب شرقی آسیا دوران پس از جنگ را با توسعه صنعتی آغاز کردند. این توسعه صنعتی دو هدف عمده یعنی تجدیدگرایی و افزایش درآمد ملی و درآمد سرانه را دنبال می‌کرد. بر سرهم، در روند صنعتی شدن سه‌گونه استراتژی وجود دارد که عبارت است از:

الف- فرآوری مواد خام بومی در درون کشور

ب- سیاست جانشینی واردات

پ- سیاست توسعه صادرات

هر یک از این راهبردها با درجات متفاوت و با میزان موفقیت گوناگون در کشورهای جنوب شرقی آسیا به کار گرفته شده است. سنگاپور سیاست توسعه صادرات را پیش از دیگر کشورها آغاز کرد که مهمترین علت آن کوچک بودن بازار این کشور بود که سیاست جانشینی واردات را غیر سودآور می‌ساخت. اندونزی در میان کشورهای آسه‌آن (غیر از برونی) کمترین چرخش صادراتی را داشته است که این امر معلول جمعیت زیاد آن کشور است زیرا بسیاری از کالاهای تولید شده در داخل کشور مصرف می‌شود و هنوز حجم تولیدات بویژه تولید کالای صنعتی به سقفی نرسیده، که بتواند بازار داخلی را اشباع کند و حجم زیادی را در صادرات به خود اختصاص دهد.

کشور	۱۹۷۰		۱۹۸۰		۱۹۹۳	
	میلیون دلار	درصد	میلیون دلار	درصد	میلیون دلار	درصد
اندونزی	۸۳	۲۹/۲	۲۱۳۶/۵	۱۸/۷	۱۱۵۷۴/۵	۱۱/۹
مالزی	۹۴	۳۳/۱	۴۱۹۵/۹	۳۶/۸	۲۸۰۶۰/۶	۲۸/۸
فیلیپین	-۲۹	-۱۰/۲	۵۳۱/۹	۴/۷	۴۸۴۳/۹	۵
سنگاپور	۹۳	۳۲/۸	۳۶۲۶/۲	۳۱/۸	۳۹۸۶۴/۶	۴۰/۹
تایلند	۴۳	۱۵/۱	۹۱۱/۸	۸	۱۳۱۶۲/۹	۱۳/۵
جمع	۲۸۴	۱۰۰	۱۱۴۰۲/۳	۱۰۰	۹۷۵۰۶/۵	۱۰۰

## یادداشت‌ها

1. Association of South-East Asia Nations
2. EIU, [Singapore, Malaysia, Philippines, Thailand, Indonesia, Brunei] Country Profile 1995-96
۳. صنایع مبتنی بر منابع تجدیدشونده و منابع تجدیدناشدنی شامل صنایع فرآوری مواد اولیه مانند صنایع پتروشیمی و صنایع فرآوری محصولات غذایی می‌باشد در حالی که صنایع کارخانه‌ای به‌صنایعی مانند صنایع الکترونیک گفته می‌شود که مواد اولیه آن بی‌واسطه از طبیعت به‌دست نمی‌آید.

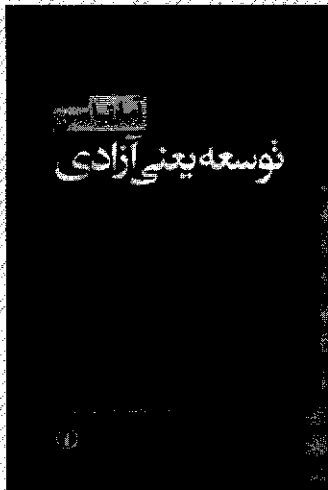
## منابع

## الف- فارسی

۱. دنی لیزینگر، تجربه توسعه در شرق آسیا، جلد اول، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، ۱۳۷۵
۲. شریف‌النسیبی، مرتضی، چرخه توسعه، راهنمای رشد شتابان در کشورهای جنوب شرقی آسیا، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۵
۳. مرزوقی، حسن، شناخت اقتصاد و تجارت آسه آن، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۶

## ب- انگلیسی

4. Balassa, Bela, Economic Policies in The Pacific Area Developing Countries, London, Macmillan & Professional Ltd., 1991
5. Dwyer, Denis, South East Asian Development, NY. John Wilery & Sons, 1990
6. EIU, Indonesia Country Profile, 1995-96, London, 1996
7. EIU, Malaysia Country Profile, 1995-96, London, 1996
8. EIU, Philippines Country Profile, 1995-96, London, 1996
9. EIU, Singapor Country Profile, 1995-96, London, 1996
10. EIU, Thailand Country Profile, 1995-96, London, 1996
11. EIU, Indonesia Country Profile, 1995-96, London, 1996
12. IMF, Direction of Trade Statistics, Yearbook 2000 & Quarterly, Dec. 2001
13. IMF, International Financial Statistics, Yearbook 2002
14. UN, International Trade & Statistics, Yearbook 1993, NY, UN Pub., 1995
15. UNCTAD, Handbook of International Trade & Development Statistics 1993, NY, UN Pub., 1994
16. UNCTAD, Handbook of International Trade & Development Statistics 1994, NY, UN Pub., 1995
17. World Bank Publication, East Asia Trade & Investment, Washington DC, 1994



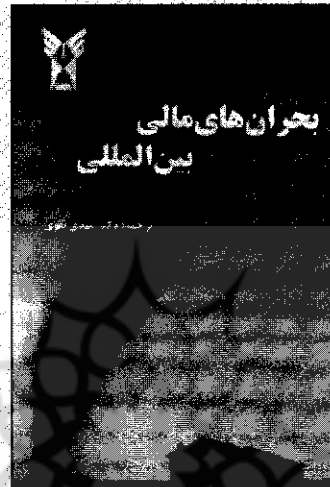
**توسعه یعنی آزادی**

آمار تیاسن

ترجمه سید محمد سعید توری نائینی

نشر نی

بها ۴۶۰۰ تومان



**بحران های مالی بین المللی**

گردآوری و ترجمه: دکتر مهدی تقوی

دانشگاه آزاد اسلامی

بها ۲۳۰۰ تومان

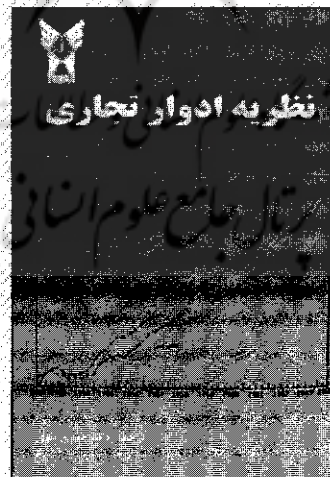


**تاریخ نیروی هوایی ایران**

غلامرضا علی بابایی

انتشارات آشینان

بها ۵۹۰۰ تومان



**نظریه ادوار تجاری**

تاریخ علم انسانی

**انسان وهستی**

سرلشکر ناصر فرید

پروفسور سید حسن امین

دفتر ماهنامه حافظ

بها ۱۲۰۰ تومان



**یوگا**

ارنست وود

ترجمه محمد حسین وقار

انتشارات اطلاعات

بها ۱۹۰۰ تومان



**نظریه ادوار تجاری**

(کتاب اول)

مترجم و گردآورنده: دکتر مهدی تقوی

دانشگاه آزاد اسلامی

بها ۴۰۰۰ تومان